

چرا تهران و مسکو در شرایط جدید جهان بیش از گذشته به هم نزدیک می‌شوند؟

ضرورت‌های ژئوپلیتیکی و راهبردی روابط ایران و روسیه



ابراهیم متقی

استاد دانشگاه تهران

کنش سیاسی و ژئوپلیتیکی محور اصلی کنش سیاسی و سیاست خارجی کشورها را شکل می‌دهد. ایران در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش کرد تا نقش سازنده و مشارکت‌جویانه امنیتی در محیط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایفا کند. هرگونه نقش‌یابی راهبردی به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر تاثیر خود را در حوزه کنش سیاسی و روند‌های سیاست خارجی به‌جا می‌گذارد. از آنجایی که محیط منطقه‌ای در شرایط بحران آشوب قرار دارد، بنابراین طبیعی است که جمهوری اسلامی ایران علاوه‌بر سازوکارهای مبتنی‌بر «خودیاری»، از الگوهایی همانند ائتلاف‌سازی نیز استفاده کند.

ائتلاف‌سازی در فضای منطقه‌ای و سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران بخشی از ضرورت مقابله با تهدیدات ژئوپلیتیکی و امنیتی خواهد بود. همکاری‌های ایران وروسیه از این جهت اهمیت دارد که هر دو کشور درصدد مقابله با الگوهای هکجانبه و سیاست مبتنی‌بر هژمونی ایالات متحده آمریکا هستند. ایران و روسیه از انگیزه لازم برای مقابله با تروریسم تکفیری برخوردار است. همکاری‌های ایران و روسیه می‌تواند زمینه کاهش آثار اجتماعی و اقتصادی تحریم‌ها را فراهم سازد.

هر یک از مولفه‌های یادشده را می‌توان به‌عنوان بخشی از ضرورت‌های کنش‌سیاسی و ژئوپلیتیکی ایران در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی دانست. ائتلاف‌سازی و مشارکت امنیتی با روسیه از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند زمینه‌های لازم برای تولید قدرت در جهت مقابله با تهدیدات را به‌وجود آورد. هرگونه قدرت‌سازی بخشی از ضرورت مربوط به همکاری‌های منطقه‌ای برای رویارویی با کارگزاران و فرآیندهایی است که محیط امنیتی را با چالش رویه‌رو می‌سازند.

موازنه تهدید و همکاری راهبردی با روسیه

موازنه تهدید را می‌توان به‌منزله یکی از سازوکارهای اصلی امنیت‌سازی جمهوری اسلامی در شرایط بحران راهبردی در محیط منطقه‌ای دانست.

همکاری‌های ایران و روسیه در فضای محیطی، بخشی از ضرورت‌های مربوط به موازنه تهدید را شکل می‌دهد. روابط ایران و روسیه در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۸ تحت‌تاثیر بحران‌های امنیت منطقه‌ای قرار گرفته است. اگرچه روسیه در روند مقابله با داعش و گروه‌های تکفیری در سوریه با ایران همکاری تاکتیکی دارد اما چنین رویکرد و اقدامی به‌عنوان نمادی از همکاری‌های طولانی‌مدت و راهبردی تلقی نمی‌شود.

نقش روسیه در روند امنیت‌سازی منطقه‌ای ایران به‌ویژه در روزهای بعد از بحرام اهمیت بیشتری پیدا کرده است. کشورهای اروپایی رویکرد نسبتاً خنثی در فضای واکنش متقابل نسبت به ایالات متحده ایفا کرده‌اند. اگرچه کشورهای اروپایی، اقدام دونالد ترامپ برای خروج از برجام را مورد انتقاد قرار داده‌اند، اما واقعیت آن است که ایران برای حفظ زیرساخت‌های اقتصادی خود نیازمند همکاری‌های فراگیر و چندجانبه خواهد بود. روسیه می‌تواند نقش موازنه‌دهنده روابط ایران و کشورهای گروه ۴+۱ را در دوران بعد از خروج دونالد ترامپ از برجام فراهم آورد. روسیه نیز به ایران و نقش منطقه‌ای آن نیازمند است. ضرورت‌های موازنه تهدید به‌معنای آن است که هر یک از کشورها بتوانند زمینه‌های لازم برای افزایش قدرت راهبردی خود را از طریق مشارکت فراهم آورند. روسیه نقش موازنه‌دهنده‌ای را برای حفظ موقعیت ایران در محیط منطقه‌ای ایفا می‌کند. روسیه از سال ۲۰۰۵ تا زمان تنظیم برنامه جامع اقدام مشترک در قالب توافق هسته‌ای ایران با کشورهای گروه ۱+۵ از الگوی همکاری بی‌وجه جانب‌با آلمان، آمریکا و سایر کشورهای عضو شورای امنیت پیروی کرده است.

علت اصلی نقش‌یابی روسیه در کنش تعاملی با ایران را باید در قالب

معادله قدرت و تهدید جست‌وجو کرد. واقعیت‌های رفتار قدرت‌های بزرگ براساس چگونگی معادله قدرت و نقش ساختاری بازیگران شکل می‌گیرد. تاریخ روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که همواره زمینه برای توافق و همکاری قدرت‌های بزرگ با یکدیگر وجود داشته است. هرگاه بازیگران اصلی نظام بین‌الملل با نشانه‌هایی از تضاد و رویارویی روبه‌رو شوند، در آن شرایط زمینه برای گرایش به‌سوی بازیگران پیرامونی به‌وجود می‌آید. واقعیت آن است که نقش بازیگران پیرامونی در سیاست راهبردی قدرت‌های بزرگ همانند روسیه تابعی از واقعیت‌های ساختاری نظام بین‌الملل خواهد بود. ضرورت‌های ساختاری روابط بین‌الملل ایجاب می‌کند که روسیه و ایران نقش مشارکتی و همکاری‌جویانه موثری را ایفا کنند. چنین نقشی، بخشی از ضرورت‌های معادله قدرت و تهدید محسوب می‌شود. روسیه در زمره آن گروه از بازیگران سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود که در شکل‌بندی‌های قدرت نظام جهانی می‌تواند به‌عنوان نیروی تاثیرگذار - تاثیرپذیر، ایفای نقش کند. اگرچه روسیه و ایالات متحده از پیوندهای راهبردی در چارچوب «شورای همکاری آتلانتیک شمالی» و سایر پیمان‌های جهانی برخوردارند، اما این امر به‌مفهوم کنش همکاری‌جویانه به‌عنوان متحد راهبردی با ایالات متحده محسوب نمی‌شود.

روسیه و امنیت‌سازی راهبردی ایران در منطقه

روسیه را می‌توان در زمره بازیگرانی دانست که از الگوی امنیت‌سازی منطقه‌ای ایران حمایت کرده است. مقابله آمریکا با داعش نیز تابعی از الگوهای کنش سیاسی روسیه در منطقه محسوب می‌شود. تجربه روسیه در تحولات سوریه، نقش ایران را در تحولات بین‌المللی ارتقا می‌دهد. ایران یکی از بازیگران جبهه مقاومت است. همکاری‌های روسیه و ایران در ارتباط با تحولات سوریه را می‌توان به‌عنوان نمادی از چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای در مقابله با بازیگران آشوب‌ساز همانند داعش دانست.

روابط ایران و روسیه را می‌توان در قالب الگوی تعامل چندجانبه در شرایط بحران‌های منطقه‌ای در سیاست بین‌الملل دانست. روسیه ترجیح می‌دهد تا همکاری‌های راهبردی خود را با ایالات متحده و سایر قدرت‌های بزرگ به انجام رساند. در حالی که روسیه ترجیح می‌دهد تا همکاری‌های دفاعی و تسلیحاتی با ایران را در چارچوب کنش تاکتیکی می‌داند. در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران نیازمند «ائتلاف‌سازی»، «بی‌طرف‌سازی راهبردی»، «همکاری‌های تاکتیکی»

نتیجه

بحران‌های امنیتی می‌تواند آثار خود را بر روابط کشورها به‌جا گذارد. الگوی همکاری‌های ایران و روسیه را می‌توان به‌عنوان بخشی از ضرورت‌های موازنه منطقه‌ای دانست. در دوران‌های مختلف تاریخی شکل‌هایی از «موازنه قدرت» و «موازنه تهدید» در روابط ایران و روسیه وجود داشته است. طبعاً در چنین فرآیندی نقش سایر کشورهای بزرگ همانند ایالات متحده و کشورهای عضو شورای امنیت در گسترش همکاری، رقابت و تهدید موثر بوده است. اگر روسیه از الگوی موازنه منطقه‌ای بهره نمی‌گرفت، طبیعی بود که منازعات راهبردی در سوریه و محیط پیرامونی از شدت و گستره بیشتری برخوردار می‌شد. یکی از دلایل اصلی مشارکت روسیه در بحران سوریه را باید به مقابله با نیروهای اسلام‌گرا یا رویکرد تکفیری دانست. چنین نیروهایی که در جمهوری‌های آسیایی روسیه ایفای نقش می‌کنند، تلاش دارند تا مرکزیت خود را از تمامی حوزه‌های جغرافیایی در نقطه مشخصی متمرکز کنند. چنین رویکردی به‌مفهوم آن است که هرگونه اقدام سیاسی و امنیتی روسیه معطوف به کنترل بحران‌هایی است که ممکن است در آینده

یادداشت، اخبار و گزارش‌هایی از تازه‌های سیاست

سیاست



روند همکاری‌های ایران و روسیه در حوزه‌های امنیتی و راهبردی می‌تواند آثار خود را در حوزه‌های اقتصادی نیز منعکس سازد. همکاری‌های اقتصادی به معنای افزایش مشارکت سیاسی ایران و روسیه برای مقابله با تهدیداتی است که در فضای عمومی سیاست جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده است.

در هر دو مفهوم، نظام چندقطبی و چندجانبه‌گرایی تسلط و تثبیت نظام تک‌قطبی منافع مسکو را در عرصه بین‌المللی با چالش مواجه می‌کرد. در نگرش ولادیمیر پوتین، روسیه نمی‌توانست به مقابله با آمریکا مبادرت کند، در حالی که نشانه‌هایی از چندجانبه‌گرایی و تلاش برای سازماندهی نظام چندقطبی در تفکر راهبردی روسیه مشاهده می‌شد. نگرش پوتین و لاوروف در جهت نقد یکجانبه‌گرایی و حمایت از چندجانبه‌گرایی راهبردی بود. چندجانبه‌گرایی مبتنی‌بر همکاری و احترام متقابل به‌عنوان یک ایده مثبت در نظام جهانی عنصر اصلی اندیشه پوتین در این خصوص و موضوع اصلی آن این بود که روسیه به هیچ کشوری به‌عنوان منبع تهدید یا دشمن نمی‌نگرد و مایل است مسائل و مشکلات جهانی را با استفاده از سازوکارهای سیاسی مرتفع کرده و در این باب «مبنایی دموکراتیک» ایجاد کند. در تفکر چندجانبه‌گرایی پوتین، نشانه‌هایی از مشارکت راهبردی با ایران در جهت مقابله با یکجانبه‌گرایی بین‌المللی مشاهده می‌شد. از سسوی دیگر، مقامات روسیه احساس می‌کردند که ممکن است ایران رویکرد ضدآمریکایی را به حوزه مقابله با روسیه نیز تعمیم دهد. پوتین به ایده «چندجانبه‌گرایی» به‌عنوان یک رویکرد کلان نسبت به محیط خارجی می‌نگریست، اما پیگیری آن را به‌واسطه ملاحظات ژئوراهبردی ازجمله مخالفت با گسترش ناتو به شرق و ایجاد ائتلاف‌های راهبردی با چین، هند و کشورهای اروپایی ازجمله فرانسه و آلمان به‌عنوان سازوکاری برای تأمین منافع ملی مفید می‌دانست. روسیه از این طریق قادر بود از میان متحدان احتمالی، شریک مورد نیاز را برای ارتقای جایگاه خود در عرصه بین‌المللی انتخاب کند.

ارتقای نقش راهبردی ایران

در فضای همکاری‌های سازنده با روسیه

همکاری ایران و روسیه بخشی از سیاست قدرت محسوب می‌شود. در شرایطی که ترامپ از برجام خارج شده، کشورهای اروپایی قادر به تأمین نیازهای اقتصادی ایران نبوده‌ و لذا این همه‌مهم‌ترینکه آمریکااز سیاست کنش پرشددت علیه ایران بهره می‌گیرد، طبیعی است که ایران نیازمند ارتقای نقش راهبردی خود در فضای کنش تعاملی با روسیه خواهد بود. هرگونه کنش تعاملی ایران با روسیه می‌تواند زمینه‌های مشارکت تاکتیکی و عملیاتی را برای مقابله با تهدیدات مشترک به‌وجود آورد. همکاری‌های ایران وروسیه ماهیت منطقه‌ای، تاکتیکی و عملیاتی‌دارد. چنین نشانه‌هایی از همکاری‌های دفاعی و امنیتی را می‌توان به‌عنوان پاسخی نسبت به تهدیدات فرارزی کشورهایی همانند ایران و روسیه دانست. ایران و روسیه گروه‌های تکفیری و داعش را به‌عنوان نیروهای برهم‌زننده ثبات منطقه‌ای دانسته و تلاش دارند تا شکل جدیدی از روابط همکاری‌جویانه برای مقابله با تهدید مشترک را در دستور کار قرار دهند.

شعیب بهمن از اهمیت مناسبات ایران و روسیه در شرایط پسابرجام می‌گوید

چرا سفر ولایتی به روسیه مهم است؟



ایران کاهش دهد.

در بعد دیگر، یکی از مهم‌ترین موضوعات، مساله مراودات تجاری اقتصادی است. در این رابطه باید اذعان داشت با توجه به اینکه عملاً در طول سال‌های گذشته ما شاهد افزایش همکاری اقتصادی بین دو کشور نبودیم، در نتیجه شاید بتوان گفت که نباید منتظر گشایش چندانی در این حوزه بود.

هرچند این آمادگی در طرف روس وجود دارد که دست‌کم در شرکت‌های کوچک و بانک‌های کوچک‌شان بتوانند با ایران همکاری‌هایی را انجام دهند. ولی بخش اعظم این موضوع به این بستگی دارد که واقعا در ایران تصمیم‌گیران بخواهند به سمت توسعه و افزایش همکاری اقتصادی با روسیه حرکت کنند.

این موضوع از حالت بالقوه نمی‌تواند بالفعل شود؟
یک معضل اساسی در روابط اقتصادی ایران و روسیه این است که در هر دو کشور مدیران غرب‌گرا حضور

یادداشت، اخبار و گزارش‌هایی از تازه‌های سیاست

متأسفانه نگاه به همکاری با کشورهایی مانند روسیه به‌صورت جدی وجود ندارد. اگر روابط تهران و مسکو به‌ویژه دارای ابعاد اقتصادی جدی و گسترده نشود، قطعاً همین همکاری‌های دو طرف در موضوعات استراتژیک نظیر سوریه هم با چالش مواجه خواهد شد.

با همه این اوصاف به اعتقاد شما چرا در مقایسه روسیه و اروپا در شرایط کنونی به روسیه می‌توان اعتماد کرد اما به اروپا خیر و میان این دو، روس‌ها از اروپایی‌ها قابل اطمینان‌تر هستند؟

یکی از مسائلی که در اینجا قابل بحث و بررسی است پیوندهایی است که بین اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها از گذشته دور وجود داشته است. تمام اینها به‌عنوان مجموعه‌ای به اسم غرب قابل شناسایی هستند. در تحولات دوران معاصر هیچ‌گاه اروپا مسیر خود را از آمریکایی‌ها جدا نکرده است و حتی اگر مخالفتی هم نسبت به سیاست‌های آمریکا داشته ولی درنهایت به هم‌باری با آمریکا منتهی شده است. به‌خصوص که در حوزه‌های اقتصادی پیوندهای متقابل بسیار زیادی بین شرکت‌های اروپایی و نهادها و شرکت‌های آمریکایی وجود دارد. در نتیجه درنهایت حتی اگر دولت‌های اروپایی خواهان حفظ برجام باشند، عملاً شرکت‌ها، بانک‌ها و نهاد‌های اروپایی قادر به حفظ مبادلات اقتصادی خود با ایران نیستند و آنها ترجیح خواهند داد همکاری با آمریکا را به پیش ببرند.

نکنه دوم اینکه خود روسیه هم در شرایط نسبتاً مشابهی با ایران قرار دارد. روسیه بعد از وقایع اوکراین تحت تحریم‌های غرب قرار گرفت، لذا این کشور به‌نوعی طعم تحریم‌ها را چشیده است. ضمن آنکه روس‌ها هم با هژمون‌گرایی یک‌جانبه آمریکا در سطح نظام بین‌الملل دارای تضاد و تعارض هستند.

علاوه‌بر اینها اقتصاد روسیه به اندازه اقتصاد کشورهای اروپایی و آمریکا درنیامیخته است؛ به همین دلیل روسیه می‌تواند به‌صورت مستقل تری نسبت با آمریکا و اروپا با ایران تعامل اقتصادی داشته باشد. به هر حال در شرایط فعلی روس با بازیگر مستقل تری در صحنه مسائل بین‌الملل به شمار می‌روند که در خیلی از مقاطع نه‌تنها کشورهای اروپایی بلکه حتی آمریکایی‌ها را به چالش کشیدند و بسیاری از سیاست‌های آنها را ناکام گذاشتند. در مجموع همه این موارد در کنار هم همکاری تهران و مسکو را جذاب‌تر می‌کند.

دارند. مدیران غرب‌گرا در عمل از توسعه روابط اقتصادی دوجانبه مناعت می‌کنند. به همین دلیل تا زمانی که این روند در هر دو کشور وجود داشته باشد ما نمی‌توانیم شاهد همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور باشیم.

در دوره‌ای که توافق هسته‌ای به اجرا درآمد، روس‌ها هم‌پای شرکت‌های غربی خواهان حضور در بخش‌های مختلف اقتصادی ایران بودند. با این وجود، این سوال به‌طور جدی مطرح است که واقعا چقدر فضا به شرکت‌های روسی داده شد و چه امتیازات قابل توجهی به شرکت‌های غربی، مثل شرکت‌های فرانسوی اختصاص یافت؟ واقعیت آن است که در تمام صنایع نفت و گاز و خودرو و سایر بخش‌های اقتصادی حتی حمل‌ونقل، این شرکت‌های غربی و فرانسوی و اروپایی بودند که وارد عرصه‌های مختلف تجاری ایران شدند و عملاً روس‌ها این فرصت را پیدا نکردند. دلیل اصلی آن هم نگرش غربی است که متأسفانه

در ایران حاکم است. این جریان در راه توسعه روابط کارشکنی می‌کنند. به‌رغم آنکه در چند سال اخیر ایران و روسیه مواضع نزدیکی در مسائل منطقه‌ای داشتند و اینکه روس‌ها هم مانند ایران مورد تحریم قرار گرفتند و تمایل زیادی به توسعه همکاری‌های اقتصادی با ایران داشتند به‌ویژه در حوزه کشاورزی که بخشی از اقلام مورد نیاز خود را طریق ایران حاصل کنند، عملاً مشاهده می‌کنیم که گشایش خیلی زیادی در این خصوص اتفاق نیفتاده است؛ لذا این موضوع نیازمند بررسی‌های دقیق‌تری است.

علت اینکه هنوز بحث روابط پولی دوجانبه بین دو کشور به مرحله اجرانرسیده‌رامی‌توان مرتبط با این موضوع دانست؟
بله، قطعاً باید دید که چقدر در بانک مرکزی ایران این موضوع به‌عنوان یک مساله جدی دنبال شده و چقدر توافقاتی که صورت گرفته به مرحله اجرا درآمده است.